

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 2, Spring 2022, 103-130
Doi: 10.30465/CRTLS.2022.39938.2510

Epistemological Review and Critique of McGregor's Theory of Organizational Human Theory from the Perspective of the *Holy Quran*

Abdulmomen Hakimi*

Ali Asghar Shoaie**

Abstract

Epistemology is a scale and measurement criterion. In the knowledge of quality management, organizational phenomena are measured by science and the position of science itself is measured by epistemology. Epistemology is the center of analysis of many management processes that without proper knowledge, organizations may face serious challenges in dealing with people in the organization. The epistemological critique of the mentioned theory has been done by applying the qualitative method of interrogative thematic interpretation of the Qur'an. The epistemological critique of the mentioned theory has been done by applying the qualitative method of interrogative thematic interpretation of the Qur'an. The research findings show that the Qur'an does not consider reliance on reason and human findings alone to be sufficient for cognition and experience, sense and induction as preliminary steps for complete and reliable cognition based on heart faith, rational and narrative arguments. (Quran and Sunnah) which has a realistic nature with two vertical (with the Creator) and horizontal views (Jawarahi and Javanhi behaviors of the creature and the whole universe). According to the Qur'an, cognitive tools are not only inductive, such as observation and experimentation based on human behavior; but

* Doctor of Quran and Management Sciences, Assistant Professor of Al-Mustafa International Society, Qom, Iran (Corresponding Author), mohammadiya2020@gmail.com

** Doctor of Quranic and Hadith Sciences, Faculty member of Holy Quran University of Sciences and Education, Qom, Iran, shoaie@quran.ac.ir

Date received: 21-12-2021, Date of acceptance: 03-04-2022



also, its sources have a wide range such as revelation, intellect, heart, sense and the whole universe, which has unlimited validity and has a different view of the mentioned school.

Keywords: *Holy Quran*, McGregor Theory, School of Human Relations Management, Epistemology, Source and Credibility.

بررسی و نقد معرفت‌شناسی نظریه انسان سازمانی مک‌گرگور از منظر قرآن کریم

عبدالمؤمن حکیمی*

علی اصغر شعاعی**

چکیده

معرفت‌شناسی ترازو و معیار سنجش است. در دانش مدیریت عیار پدیده‌های سازمانی با علم سنجش و جایگاه خود علم نیز با معرفت‌شناسی سنجیده می‌شود. معرفت‌شناسی محور تحلیل بسیاری از فرایندهای مدیریتی است که بدون شناخت صحیح آن شاید سازمان‌ها با چالش جدی با افراد در سازمان مواجه شوند. بررسی و نقد معرفت‌شناسی نظریه داگلاس مک‌گرگور است که از چهار مؤلفه به نام‌های «ماهیت»، «موضوع»، «ابزار»، و «منبع و اعتبار» شکل یافته است. نقد معرفت‌شناسی نظریه یادشده با کاربست روش کیفی تفسیر موضوعی برون‌قرآنی استنتاجی صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قرآن تنها اتکا به عقل و یافته‌های بشری را برای شناخت کافی ندانسته است و تجربه، حس، و استقرا را گام‌های مقدماتی برای شناخت کامل و مطمئن می‌داند که متکی بر ایمان قلبی و برهان‌های عقلی و نقلی (قرآن و سنت) هستند و ماهیت واقع‌نمایانه با دو نگاه عمودی (با خالق) و افقی (رفتارهای جوارحی و جوانحی مخلوق و تمام هستی) دارند. از نگاه قرآن، ابزارهای شناخت تنها استقرایی نظیر مشاهده و آزمایش مبتنی بر رفتارهای انسان نیست، بلکه منابع آن گستره فراوانی هم‌چون وحی، عقل، قلب، حس، و تمام هستی دارند که اعتبار نامحدود و در مقایسه با مکتب مذکور، دیدگاه متفاوت دارند.

* دکترای قرآن و علوم، گرایش مدیریت، استادیار جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول)،
mohammadiya2020@gmail.com

** دکترای علوم قرآن و حدیث، عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران،
shoaei@quran.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴



کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، نظریه مک‌گرگور، مکتب مدیریت روابط انسانی، معرفت‌شناسی، منبع و اعتبار.

۱. مقدمه و بیان مسئله

شاید بتوان ادعا کرد یکی از دلایل وجود نظریه‌های تناقض‌نما در یک رشته علمی، مثل دانش سازمان و مدیریت، نامشخص بودن مبانی آن است. راه برون‌رفت از این مشکل توجه به مبانی فکری و اصول بنیادین نظریه‌ها و دستیابی به یک طرح نظری جامع است. به‌دیگر سخن، برای شناخت عمیق و نیز نقد نظریه‌ها، افزون‌بر درک صحیح از اندیشمندان و نظریه‌های آنان، باید سرچشمه‌های پیدایش و زایش فکری آن‌ها مورد مداخله قرار بگیرد، زیرا هم‌چنان‌که معرفت از یک رشته علمی بدون مطالعه و شناخت صحیح آن امکان‌پذیر نیست، درک نظریه‌های آن رشته هم بدون درک مبانی و منشأهای آن امکان‌پذیر نیست (میرزایی اهرنجانی ۱۳۸۶: ۴). از میان مبانی مختلفی که نظریه مک‌گرگور، از مهم‌ترین نظریه‌پردازان‌های مکتب مدیریت روابط انسانی، بر آن‌ها مبتنی است، معرفت‌شناسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به‌عبارت‌دیگر، شناخت تفکرات مک‌گرگور از نظر مسائل مدیریتی در گرو آشنایی با نگرش وی در زمینه معرفت‌شناسی و ابعاد آن است، زیرا گستره معرفت‌شناسی از حیث ماهیت، موضوع، ابزار، و منبع و اعتبار در تجانس و ارتباط متقابل‌اند. از این‌رو، نیازمند بازشناسی است و تشخیص ماهیت، موضوع، ابزار، منبع و اعتبار معرفت‌شناسی، و جایگاه آن در چهارچوب نظام ارزشی نظریه مک‌گرگور مهم و قابل‌تأمل است، ولی مهم‌تر از آن کشف و تبیین معرفت‌شناسی از منظر آموزه‌های وحیانی است که با کاربست روش تفسیر موضوعی استنتاجی به‌عنوان پرسش اساسی بر قرآن کریم عرضه شده و پاسخ آن برداشت و در این مقاله ارائه شده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۱،۲ نقد

واژه «نقد» (critic) در اصل به‌معنای ظهور و بروز دادن چیزی (ابن‌فارس ۱۴۰۴: ج ۵، ۴۶۷)، تمییز کردن چیز خوب از چیز بد (جوهری ۱۴۱۰: ج ۲، ۵۴۴) و در اصطلاح دانشی است که به ارزیابی و توصیف شاخص‌های معرفت و شناخت آثار مکتوب و علمی می‌پردازد و

بررسی و نقد معرفت‌شناسی نظریه ... (عبدالؤمن حکیمی و علی اصغر شعاعی) ۱۰۷

جهت‌گیری اصلی آن داوری مبتنی بر شناخت لغزش‌ها، کاستی‌ها، عیب‌ها، و نیز زیبایی‌ها و خوبی‌های یک متن است (میرصادقی ۱۳۸۹: ۷۱۲).

۲,۲ مکتب

واژه «مکتب» (school) از لحاظ لغوی مصدر میمی (کتابت و نوشتن) و بیش‌تر به معنای اسم مکان، یعنی «مکان نگارش و آموزش»، به کار می‌رود (ابن‌منظور ۱۴۱۴: ج ۱، ۶۹۹). این واژه پس از رنسانس و آغاز تحولات علمی به کار گرفته شده است (ضیائی‌فر ۱۳۸۵: ۱۶۶) و به مفهوم مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و نظریه‌های علمی نظام‌یافته‌ای است که به یکی از اندیشمندان یا مجموعه‌ای از دانشمندان هم‌نظر تعلق دارد (حسینی و علی‌پور ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۳۲؛ مطهری ۱۳۷۸: ج ۲، ۵۳).

۳,۲ مدیریت

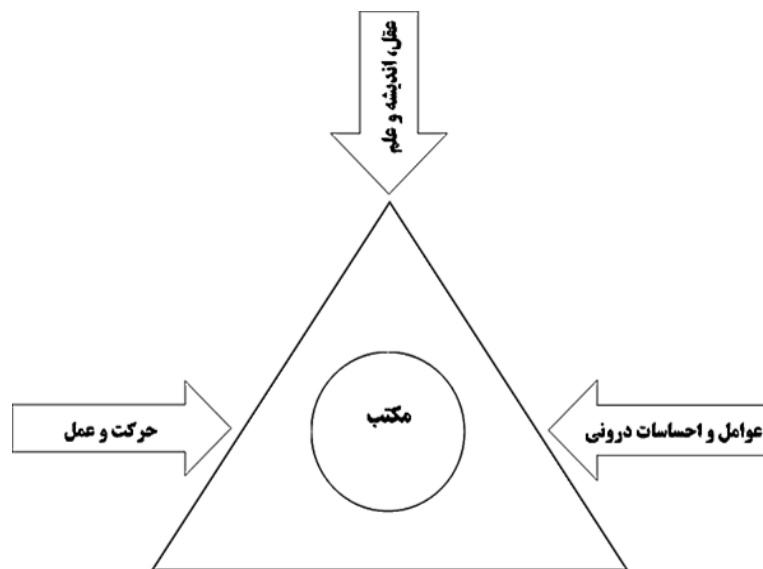
مدیریت (management) به معنای فراگرد به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته‌شده است که از طریق برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت، و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده صورت می‌گیرد (رضاییان ۱۳۹۲: ۸).

۴,۲ معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی (epistemology) به مطالعه فلسفه ماهیت، منابع، قلمرو، موضوع، و اعتبار شناخت می‌پردازد (موزر ۱۳۸۵: ۱۹). معرفت‌شناسی ارائه واقعیت (مطهری ۱۳۷۸: ج ۱۳، ۴۶۷)، آگاهی از واقعیت (جوادی آملی ۱۳۸۴: ۸۷)، نوع خاصی از مهارت (McGinn 1984: 54)، آشناسدن با چیزی یا کسی یا اطلاعاتی است (لرر ۱۳۹۶: ۳۳-۳۴) که پدیده‌ای ارزش‌مند است (همان: ۲۹) و به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های نظیر نوع، کیفیت، چگونگی، و ابزار دانستن (نوریس ۱۳۸۹: ۱۱)، و چگونگی تولید دانش، معیارهای تمایز دانش خوب از بد، و چگونگی نمایش و توصیف واقعیت است (جوهرج ۱۳۸۹: ۴۳).

۵,۲ مکتب مدیریت روابط انسانی

مدیریت روابط انسانی (human relations management) عبارت است از ایجاد، نگه‌داری، و گسترش تعامل پویا و تفاهم عاطفی میان افراد تا با دل‌گرمی، رضایت‌خاطر، و روحیه مطلوب درجهت نیل به هدف‌ها، رشد، و توسعه سازمان همکاری و مشارکت فعال داشته باشند (بهارستان و اعتمادی ۱۳۶۱: ۲۳) و مقصود از مکتب مدیریت روابط انسانی (school of human relations management) مجموعه‌ای از نظریه‌هایی (آبراهام مازلو، داگلاس مک‌گرگور، و کریس آرگریس) است که در مبانی و پیش‌فرض‌هایی (پارادایم) اشتراک دارند و دوره زمانی خاصی (۱۹۲۰-۱۹۵۰) را پوشش می‌دهد (بوریل و مورگان ۱۳۸۳: ۲۴).



نمودار ۱. عنصرهای سازنده مکتب
(جمشیدی و ایران‌نژاد ۱۳۹۱: ج ۲۹، ۹۳)

۳. روش‌شناسی

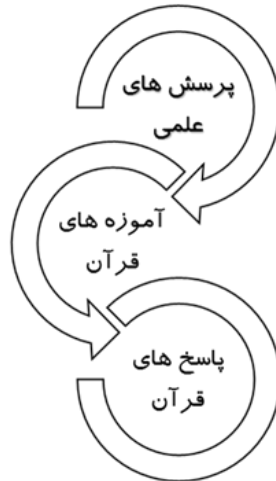
جست‌وجوی روش متناسب با موضوع هر پژوهشی بر شناخت و شناسایی مسائل موردپژوهش مبتنی است. برای این منظور پژوهش‌گر، با توجه به پیش‌فرضی که دارد، به انتخاب روش تحقیق برای درک پدیده‌های ناشناخته می‌پردازد. چنان‌که از موضوع مقاله

مشخص است، تحقیق کیفی از نوع روش تفسیر موضوعی استنتاجی است. روش یادشده را شهید صدر برای حرکت از واقعیات بشری برای دستیابی به نظریه‌های قرآنی مطرح کرده است. در این روش، واژه «استنطاق» با ریشه (ن ط ق) مصدر باب استفعال از ریشه «نطق» به معنای «طلب نطق کردن» (طریحی ۱۴۱۶: ج ۵، ۲۳۸؛ راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۵۱۲)، تبیین، و توضیح (فیومی ۱۴۱۴: ج ۲، ۱۱) است که ریشه واحدی به معنای آشکارکردن باطن به واسطه ظاهر دارد (مصطفوی ۱۴۳۰: ج ۱۲، ۱۶۲).

برپایه معانی لغوی یادشده، کلمه «استنطاق» مثل آن است که سؤال‌شونده ساکت و صامت است و به آسانی سخن نمی‌گوید. از این رو، برای گرفتن جواب پرسش، با پافشاری و اصرار، پاسخ‌ها را بایستی از وی کشف و استخراج کرد (ابن فارس ۱۴۰۴: ج ۵، ۳۰۳). لذا، با لحاظ کردن معنای لغوی، که به معنای به نطق درآوردن کلام خداست که خود صامت است، در اصطلاح دانش تفسیر استنطاق نامیده شده است (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۱، ۶۵).

در میان صاحب‌نظران و قرآن‌پژوهان در مورد تمایز و تفاوت آن با استنباط و تفسیر (اعم از موضوعی و ترتیبی) اختلافاتی وجود دارد (ایزدی و اخوان مقدم ۱۳۹۲: ۱۰۵). از این رو، برخی آن را معادل تفسیر قرآن به قرآن (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۱، ۱۵)، بعضی معادل تأویل و معانی باطنی (جوادی آملی ۱۳۸۶: ۱۱۵)، تعدادی معادل استنباط (معرفت ۱۳۸۷: ج ۱، ۱۹)، و عده‌ای معادل تفسیر موضوعی (شاکر ۱۳۸۹: ۹۷) معرفی کرده‌اند، اما از منظر شهید صدر مقصود از استنطاق آن است که پژوهش‌گر باید توانایی داشته باشد تا، ضمن بررسی وضعیت جامعه هر عصر، مسائل آن را کشف کند و پس از آن، چالش‌ها را به صورت پرسش‌های منظم به ساحت قدسی قرآن کریم عرضه و از آموزه‌های وحیانی پاسخ دریافت کند (صدر ۱۴۲۴: ۲۸).

در تأیید روش یادشده، به سخن حضرت امام علی (ع) استناد شده است که فرمود: «ذَلِكَ الْقُرْآنُ، فَاسْتَنْطِقُوهُ» (نهج البلاغه: خطبه ۲۵۸)؛ «از قرآن بخواهید تا سخن گوید». در این پژوهش، معرفت‌شناسی از منظر مک‌گرگور در ابعاد ماهیت، موضوع، ابزار، و منبع و اعتبار به آموزه‌های قرآن کریم عرضه و پاسخ قرآن کریم دریافت شده است. با انجام این فرایند، می‌توان ضمن شناخت معرفت‌شناسی نظریه مک‌گرگور، کاستی‌های آن را بازشناسی و نگرش قرآن کریم را در مورد ابعاد یادشده برداشت و ارائه کرد که نتیجه آن اصلاح، تکمیل، توسعه، یا رد خواهد بود.



نمودار ۲. فرایند پژوهش با ابزار استنتاجی
(محقق ساخته)

دلیل انتخاب روش یادشده آن است که مسائل و پرسش‌هایی که در دانش مدیریت وجود دارد، پس از دسته‌بندی و پالایش، با کاربست روش تفسیر موضوعی استنتاجی، قابلیت عرضه به ساحت قدسی قرآن را دارد و روش‌های کیفی دیگر چنین قابلیت ندارند که هم بتوانند پاسخ‌های لازم را نشان دهند و هم زمینه نقد را فراهم سازند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد زمینه اصلاح، تکمیل، توسعه، یا رد معرفت‌شناسی از منظر قرآن کریم فراهم شده است و از این طریق، گستره معرفت‌شناسی نظریه مک‌گرگور موردبررسی و نقد قرار می‌گیرد.

۴. نظریه مک‌گرگور

نتایج تحقیقات مک‌گرگور به این سؤال کلیدی رهنمون کرد که مفیدترین مفروضات درباره اداره افراد چیست. او مفروضات خود را به دو طبقه وسیع تقسیم‌بندی و از آنها با نماد تئوری X و تئوری Y یاد می‌کند. مطابق با نظر وی، سازمان‌های سستی با شغل‌های کاملاً تخصصی شده، تصمیم‌گیری متمرکز، و ارتباطات روبه‌پایین صرفاً ناشی از ضرورت اقتصادی ایجاد نشده‌اند. آنها انعکاسی از مفروضات مشخص درباره طبیعت انسانی هستند. مفروضاتی که با عنوان تئوری X بیان کرده مبتنی بر این است که افراد از کار و

مسئولیت‌پذیری گریزان‌اند و ترجیح می‌دهند تا هدایت شوند. افراد با انجام کارهای مناسب انگیزه پیدا نمی‌کنند، بلکه صرفاً توسط محرک‌های مالی برانگیخته می‌شوند. پس، اکثر افراد را باید بادقت کنترل کرد تا به کسب اهداف سازمانی مجبور شوند.

مک‌گرگور صحت این دیدگاه را مورد تردید قرار داد. او ضرورت مدیریت و فعالیت‌های جدید را در سازمان‌ها احساس کرد و اعتقاد داشت که این مفروضات باید اصلاح شوند. بنابراین، یک مجموعه از مفروضات جای‌گزین را با عنوان تئوری Y مطرح کرد. برخلاف مفروضات تئوری X، این مفروضات تأکید دارند که کار برای افراد لذت‌بخش است. در صورت احراز شرایط صحیح، افراد سازمانی در قبال رفتارهای خود از سازوکار خودکنترلی بهره خواهند گرفت و از طریق عملکرد مناسب و ارتباط با همکاران و نه صرفاً مسائل مالی انگیزه می‌یابند (فرهنگی ۱۳۹۵: ۱۳۲). مک‌گرگور در آخر بهره‌گیری از مدیریت بر مبنای اهداف را توصیه کرد که در آن زیردستان به اتفاق سرپرستانشان اهداف را تعیین می‌کنند. سپس، حصول به این اهداف را بررسی و بنابراین از نیاز به سرپرستی دقیق روزانه جلوگیری می‌کنند (Dessler 1986: 52-53).

مک‌گرگور نوع نگاه به انسان در سازمان‌های آن عصر را قبول نداشت. از این رو، تلاش کرد تا تصویری واقع‌بینانه را از نیروی انسانی سازمان ارائه کند تا با اصلاح اندیشه مدیران در مورد نیروی انسانی امکان ایفای نقش مؤثرتری برای نیروی انسانی در سازمان پدید آید. جنبه انسانی سازمان بیان مستدل و محکمی از مفروضات اساسی دیدگاه رفتار سازمانی است. نظریه X و نظریه Y دو روش برای دیدن و فکر کردن درباره افراد است که به سهم خود در رفتار آنها تأثیر می‌گذارد (شفریتز و اوت ۱۳۷۸: ۷۳).

مک‌گرگور معتقد است سازمان‌های سنتی با مشاغل کاملاً تخصصی، تصمیم‌گیری متمرکز، و ارتباطات روبه‌پایین صرفاً ناشی از ضرورت اقتصادی ایجاد نشده‌اند، بلکه آنها انعکاسی از مفروضات مشخص درباره طبیعت انسانی هستند. مفروضات نظریه X، ارائه‌کننده همان تفکرات مکتب مدیریت علمی، مبتنی بر این است که افراد از کار و مسئولیت‌پذیری گریزان‌اند و ترجیح می‌دهند که هدایت شوند (McGregor 1960: 32).

مک‌گرگور صحت این دیدگاه را مورد تردید قرار داد. او ضرورت مدیریت و فعالیت‌های جدید را در سازمان احساس کرد و اعتقاد داشت که این مفروضات باید اصلاح شوند. از این رو، مجموعه مفروضات جدید را تحت عنوان تئوری Y ارائه داد. برخلاف تئوری X، این مفروضات تأکید دارند که کار برای افراد لذت‌بخش است، به شرط این‌که

شرایط و محیط کار مناسب باشد. در این صورت، کارکنان با کار خود و ویژگی بارزش آن بیش از مشوق‌های صرفاً مالی برانگیخته می‌شوند (شفریتز و اوت ۱۳۷۸: ۷۳-۷۴).

مک‌گرگور در کتاب *بعد انسانی سازمان*، با تأکید بر نیازهای اجتماعی و خودشکوفایی افراد در محیط کار، باورمند است که نحوه نگریستن به ماهیت انسان در نحوه رفتار در محیط سازمان تأثیر دارد. نگاه منفی و شردیدن ماهیت انسان رفتار منفی، مانند شدت کنترل، را در پی دارد و نگاه مثبت و خیردیدن ماهیت انسان رفتارهای مثبت مثل آزادی عمل دادن به افراد را در پی خواهد داشت که به خلاقیت کارکنان منجر خواهد شد (رضاییان ۱۳۹۲: ۵۶-۵۷).

از منظر اندیشمندان دانش مدیریت، نظریه وی از نظریه‌های محتوایی انگیزه به‌شمار می‌آید. نظریه‌های محتوایی بینش مدیران به کارکنان سازمان را افزایش می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند تا توانایی تشخیص دادن این را پیدا کنند که افراد سازمانی با چه چیزهایی به‌عنوان پاداش به کارشان ارزش می‌دهند، حال آن‌که نظریه‌های فرایندی به توصیف چگونگی و چرایی برانگیخته‌شدن افراد سازمانی می‌پردازند (رضاییان ۱۳۹۹: ۱۰۴). به همین دلیل، مک‌گرگور در نظریه خود به دو گونه مفروضات درباره طبیعت انسان پرداخته است (الوانی ۱۳۸۸: ۱۵۸). دو پیش‌فرض در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. پیش‌فرض‌های مدیران در مورد جنبه‌های انسانی سازمان

مفروضات کلی نظریه X	مفروضات کلی نظریه Y
۱- بیش‌تر انسان‌ها ذاتاً تنبل و از کار بیزارند	۱- کار به طور طبیعی مانند بازی است
۲- بیشتر انسان‌ها از قبول مسوولیت گریزانند و ترجیح می‌دهند که تحت حمایت دیگری قرار بگیرند	۲- افراد معمولاً مسوولیت‌پذیرند و با اشتیاق به دنبال پذیرش مسوولیت هستند
۳- رای انگیزش انسان‌ها باید از مشوق‌های مادی و اقتصادی و ایجاد امنیت استفاده کرد	۳- اگر اکثر افراد به کار خود علاقه‌مند باشند به طور مناسبی برانگیخته می‌شوند و در واقع احساس رضایت درونی بهترین پاداش برای افراد است
۴- قابلیت خلاقیت و نوآوری برای حل مسائل در تعداد محدودی از افراد یافت می‌شود که به مشاغل مدیریت و رهبری می‌پردازند	۴- قابلیت خلاقیت و نوآوری برای حل مسائل به طور طبیعی بین جمعیت انسان‌ها توزیع شده است
۵- بیش‌تر مردم باید تحت کنترل دقیق قرار گیرند. زیرا معمولاً افراد از علاقه کافی برای کار برخوردار نیستند	۵- کنترل را می‌توان به خود افراد واگذار کرد، در واقع شیوه خودکنترلی مؤثرتر از کنترل توسط دیگران است

بررسی و نقد معرفت‌شناسی نظریه ... (عبدالؤمن حکیمی و علی‌اصغر شعاعی) ۱۱۳

براساس این دو پیش‌فرض، مک‌گرگور دو نوع سبک مدیریتی را پیش‌نهاد کرده که در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. سبک‌های مدیریت بر مبنای پیش‌فرض‌های نظریه X و Y

سبک مدیریتی بر مبنای پیش‌فرض‌های نظریه X	سبک مدیریتی بر مبنای پیش‌فرض‌های نظریه Y
۱- تأکید بر تمرکز و تصمیم‌گیری متمرکز	۱- تأکید بر عدم تمرکز و استقلال واحدهای سازمانی
۲- تأکید بر کنترل منابع	۲- تأکید بر ارزیابی نتایج
۳- مدیر مداری و ایفای نقش رهبری توسط مدیران	۳- کارمندی و ایفای نقش حمایتی (نقش حمایتی جنبه بررسی و حل مشکل دارد)
۴- استفاده از مشوق‌های خارجی	۴- کارمندی و ایفای نقش حمایتی (نقش حمایتی جنبه بررسی و حل مشکل دارد)
۵- توقع حصول نتایج کوتاه مدت
۶- استفاده از ساز و کارهای کنترل توسط دیگران
۷- تأکید بر ضرورت رفع تضاد میان افراد

منبع: همان

مک‌گرگور بر این باور است که مدیران نگاه خود را به انسان براساس مفروض‌های Y قرار دهند و مدیرانی که به انسان دیدگاه X را دارند، به تغییر نگرش فرامی‌خوانند. مدیرانی که با افراد سازمانی بر مبنای فرضیات X عمل می‌کنند، از سازوکارهای کنترل دقیق و تفصیلی بهره می‌گیرند و برای این که افراد را برای کار برانگیزانند، فقط از محرک‌های مادی بهره می‌گیرند، در حالی که مدیران با فرضیات Y هدف‌های فرد و سازمان را تلفیق می‌کنند، به کارکنان آزادی و اختیار عمل بیشتری می‌دهند، از کنترل‌ها می‌کاهند، و آنان را به نوآوری و خلاقیت تشویق می‌کنند، زیرا با این سازوکارها افراد سازمانی به سازمان تعهد بیشتری پیدا می‌کنند. هرچند، به نظر مک‌گرگور، برخی از افراد سازمانی نابالغ در آغاز ورود به سازمان به کنترل بیشتری نیاز دارند تا این که به بلوغ کافی برسند و شایستگی رفتار براساس مفروضات Y را بیابند (رضاییان ۱۳۹۲: ۵۶).

۵. معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی (epistemology) در بستر دانش‌های گوناگون از قدمت طولانی برخوردار است و در بازه زمانی به‌اندازه تاریخ علم مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است

(قلی‌پور ۱۳۸۱: ۲۲۱). تمام دانشمندان سازمانی به صورت صریح یا ضمنی با زمینه‌های دانش و کیفیت درک و فهم انسان از پدیده‌ها سروکار دارند و به تعبیری، معرفت را واقعی و قابل انتقال در شکل ملموس به صورت ذهنی، معنوی، و حتی فراطبیعی می‌دانند (همان: ۱۰). درک از ماهیت انسانی و این‌که موجود مختار یا مجبور است (همان: ۱۱)، فهم از ارزش‌شناسی که به نوع نگاه دانشمندان به انسان برمی‌گردد (خسروپناه ۱۳۹۳: ۱۱۲)، و معرفت به جامعه‌شناسی اصالت و محوریت فرد یا جامعه است (همان: ۱۱۳) که بر معرفت انسان استوار است.

۱،۵ ماهیت معرفت‌شناسی

به صورت کلی، ماهیت معرفت‌شناسی نظریه‌های سازمان و مدیریت رویکردهایی دارد؛ هم چون الف. معرفت‌شناسی اثبات‌گرایی به عنوان یک دیدگاه سنتی حاکم بر رهیافت‌های علوم طبیعی (بوریل و مورگان ۱۳۸۳: ۱۵) که به معرفت عینی و حسی اصالت می‌دهد و فقط گزاره‌هایی را معنادار می‌داند که از مابه‌ازای خارجی برخوردار باشند و اعتبار علوم و عینیت‌بخشیدن به آن را صرفاً از طریق روش تجربی امکان‌پذیر می‌داند (علی‌پور ۱۳۸۹: ۴۰)؛ ب. معرفت‌شناسی ضداثبات‌گرایی، که بر مبنای آن دانش‌هایی مانند علم سازمان و مدیریت از آن جهت که از ماهیت نسبی برخوردارند (همان: ۱۶) باید متمایز از علوم طبیعی مورد مطالعه قرار گیرد، زیرا میان علوم اجتماعی مانند نظریه‌های سازمان، مدیریت، و علوم طبیعی تفاوت ماهوی وجود دارد، زیرا منبع معرفت تنها عقل نیست، بلکه حیات انسانی از شاخص‌ترین منابع دانش است که به فراموشی دچار شده است (علی‌پور ۱۳۸۹: ۴۱)؛ ج. معرفت‌شناسی ساختارشکن که بر اساس این رویکرد اتکای محض به رویکرد ضداثبات‌گرایی و تفسیری عاری از تبارشناسی تاریخی را ناقص و ناتمام می‌داند (گریزری ۱۳۸۹: ۱۲۳-۲۱۰). به دیگر سخن، این رویکرد از یک سو، برخلاف رویکرد اثبات‌گرایی (پژوهش‌گران از توانایی داوری در زمینه واقعیت‌ها برخوردارند و می‌توانند به ایده‌های مستقل از هر نوع ارزش‌داوری برسند)، به این باور است که ایده‌ها صرفاً در بستر ارتباط با شرایط تاریخی به دست می‌آیند و معنا می‌یابند (گائینی ۱۳۹۰: ۱۱۸) و از سوی دیگر، در برابر رویکرد تفسیری (ترکیب دیدگاه‌ها برای دست‌یازیدن به چهره کلی و منسجمی از جهان) معتقد است ادراک‌ها و فهم‌ها همانند بستر تاریخی‌شان در حال تغییر پویا و مداوم‌اند. از این رو، امکان انسجام و یک‌پارچه‌سازی اندیشه‌ها امکان‌پذیر نیست (همان: ۱۱۹).

۲,۵ موضوع معرفت‌شناسی

موضوع معرفت ممکن است عینی و قابل لمس یا ذهنی و ناملموس باشد (میرزایی اهرنجانی و سرلک ۱۳۸۴: ۷۰). موضوع شناخت در نظریه مک‌گرگور رفتار انسانی از مهم‌ترین عناصر حیاتی سازمان است که اتخاذ تصمیم‌های درست مبتنی بر شناخت درست از رفتار انسان و محیط فعالیت وی است (نیکواقبال ۱۳۸۷: ج ۵۲، ۴۵-۴۶). نظریه یادشده تلاش‌هایی را برمی‌تابد که مدل‌های مختلف انسان را با نظریه‌ای اساساً جبری در رفتاری کاری مرتبط می‌سازد که بیان‌گر مرز عینی‌گرایی پارادایم کارکردگراست (بوریل و مورگان ۱۳۸۳: ۱۸۰-۱۸۱).

بنابراین، از نظر موضوع، نظریه یادشده بر ماهیت معرفتی عینی‌گرا استوار است که براساس رویکرد اثبات‌گرا (positivist) تنها آن‌چه از قابلیت تجربه حسی و آزمایش برخوردار است (اوریت و فیشر ۱۳۹۰: ۴۴) معرفت به حساب می‌آید (معلمی ۱۳۸۰: ۱۷۳). از این‌رو، نظریه مزبور بر این باور است که سازمان و عناصر آن موجودیت‌های ملموس واقعی و قابل مطالعه‌اند (گائینی ۱۳۹۰: ۶۳) و امکان تحلیل و تبیین آن‌ها از طریق طبقه‌بندی و اندازه‌گیری علمی (تجربی) (جوهرج ۱۳۸۹: ۴۳) و ادراک حسی (کاسلو و دیگران ۱۳۸۳: ۹۲) وجود دارد. با وجود این، این نظریه با اتکا بر ماهیت عینی‌گرا به شناختی فراتر از حواس پنج‌گانه راه پیدا نکرده و در محدوده طبیعت برای رسیدن انسان به حداکثر سود دنیوی (علی‌زاده و دیگران ۱۳۸۳: ۱۰۸) چرخیده و به شعار تجربه‌گرایان، یعنی «هیچ پدیده‌ای در عقل نیست که پیشاپیش در حواس نبوده باشد» (مارتین ۱۳۹۵: ۱۵۲)، جامعه عمل پوشانده است، همان‌طور که مازلو، کریس آرجریس، و... بر شناخت انسان، نیازها، و استعدادهای بالقوه توسعه و شکوفایی مادی او تأکید کرده‌اند (میرکمالی ۱۳۹۲: ۱۴۷).

۳,۵ ابزار معرفت‌شناسی

از آن‌جا که نقطه تمرکز در نظریه‌های مکتب مدیریت روابط انسانی، به‌جای ساختار، بر رفتار انسان است، می‌توان گفت که ابزار شناخت استقرایی در رفتارهای انسان سازمانی است (میرزایی اهرنجانی و سرلک ۱۳۸۴: ج ۳، ۷۲)، زیرا سازمان کلیت فنی-اجتماعی است که از واحدهای گوناگون شکل یافته (امیرکبیری ۱۳۹۴: ۲۰۲) که عامل انسانی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در رسیدن سازمان به اهداف سازمانی است. از این‌رو، از منظر پال و هرسی

بلانچارد، مدیران سازمان برای اثربخشی سازمان باید روش‌های خود را در تعامل با افراد سازمان مرتب تغییر دهند (قاسمی ۱۳۹۰: ۴۶۵).

۴,۵ منبع معرفت‌شناسی

برای معرفت‌شناسی منابع مختلف هم‌چون طبیعت و عالم هستی، عقل و خرد، قلب و دل، تاریخ (مطهری ۱۳۹۲: ج ۱۳، ۳۷۷-۳۸۴)، تجربه حسی، شهود، وحی، الهام (میرزایی اهرنجانی و سرلک ۱۳۸۴: ج ۳، ۱)، آگاهی‌های پیشین، و مراجعه به گفته‌ها و نوشته‌های دیگران (اوریت و فیشر ۱۳۹۰: ۴۷-۴۸) معرفی شده است، ولی مرور نظریه مک‌گرگور، از نظریه‌پردازان مکتب مدیریت روابط انسانی، نشان می‌دهد که منبع شناخت افزون‌بر عقل ابزاری، عینی، و واقع‌گرا با تأکید بر رفتارها و پدیده‌های عینی، حسی، و یافته‌های تجربی است (میرزایی اهرنجانی و سرلک ۱۳۸۴: ج ۳، ۷۵-۷۶؛ الوانی ۱۳۹۸: ۱۹).

۵,۵ اعتبار معرفت‌شناسی

آنچه از تلاش‌های نظریه‌های مکتب مدیریت روابط انسانی به‌دست می‌آید شناختی است که از انسان و عوامل مرتبط به آن ارائه داده‌اند و اعتبار و روایی محدود دارد (میرزایی اهرنجانی و سرلک ۱۳۸۴: ج ۳، ۷۲). هرچند از همین ره‌گذر، شناخت محدود در پی آن است که بتواند از انسان برای رسیدن به سود بهتر و بیش‌تر بهره‌برد و از این طریق به بقا و ادامه حیات، رشد، و تعالی سازمان به اطمینان‌خاطر برسد و با ترکیب یافته‌های حوزه‌های مختلف علمی (رضاییان ۱۳۷۶: ۱۰) به مجموعه‌ای از مفاهیم، اصول، و مشخصات درجهت دست‌یابی به سازوکاری برای شناخت علت‌های مسائل پیچیده انسان سازمانی و راه‌حل مناسب آن‌ها دست یازد (صادق‌پور ۱۳۸۵: ۹۴). بررسی نظریه مذکور نشان می‌دهد که آنان فقط به کنش یا رفتار انسان توجه داشتند و این مسئله را معیار اعتبار و روایی پژوهش‌های شناختی خویش قرار داده بودند (ایران‌نژاد پاریزی و ساسان‌گهر ۱۳۹۰: ۹۶).

۶. یافته‌های تحقیق

در این مبحث، بررسی و نقد قرآنی معرفت‌شناسی براساس چهارچوبی که در مبانی نظری مطرح شده است با کاربست روش استنتاجی دنبال می‌شود.

۱,۶ نقد قرآنی ماهیت معرفت‌شناسی

افزون بر تأکید آموزه‌های قرآن کریم بر اهمیت معرفت (زمر: ۹)، کمال انسانی در گرو شناخت و معرفت است (فخررازی ۱۴۲۰: ج ۲۶، ۴۲۸)، زیرا از آموزه‌های مختلف آیات قرآن کریم (حج: ۳؛ لقمان: ۶؛ مجادله: ۱۱؛ زمره: ۱۹؛ فاطر: ۱۹-۲۲؛ اعراف: ۱۷۹؛ ملک: ۱۰-۱۱) می‌توان برداشت کرد که اساس زیست و حیات فردی و اجتماعی انسان مبتنی بر شناخت و آگاهی او قرار داده شده و تقلید را جز در برخی از فروع، که متکی بر تحقیق و شناخت است، نفی کرده است (جوادی آملی ۱۳۸۴: ۲۰۹).

هرچند خداوند متعال عقل را به‌عنوان ابزار مهم درک و شناخت در اختیار بشر قرار داده است، اتکای صرف بر یافته‌های عقلانی بشر را، مبتنی بر تجربه حسی و استقرای جزئیات برای شناخت، گام‌های مقدماتی برای کسب معرفت کامل و مطمئن می‌داند، زیرا رسیدن به شناخت صحیح و کامل متکی بر ایمان قلبی به برهان‌های عقلی و نقلی (وحي) است (جوادی آملی ۱۳۹۹: ۳۱۲)، درحالی‌که معرفت برخاسته از نظریه مک‌گرگور ماهیت عینیت‌گرای اثبات‌گرا دارد که سازنده آن تنها تجربه حسی انسان است که از نظر آموزه‌های قرآن یک امر مقدماتی است و تکیه صرف بر آن سبب فروافتادن انسان در خسران و زیان می‌شود، زیرا انسان بدون معرفت مبتنی بر وحی قادر به شناخت غایات و پی‌آمدهای نهایی اشیا و افعال نیست (ابن‌عاشور بی‌تا: ج ۲، ۳۰۵)، چون علم به‌صورت مطلق تنها در اختیار خداوند است (آل‌عمران: ۵) و هیچ‌چیزی از محسوسات و معنویات بر او پوشیده نیست (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۳، ۱۳؛ بیضاوی ۱۴۱۸: ج ۲، ۶) یا براساس آیه ۲۴۸ سوره بقره، «لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره: ۲۴۸)، ذکر «وَمَا فِي الْأَرْضِ» نتیجه می‌دهد که پس اعمال انسان‌ها نیز ملک اوست و در آخر نتیجه می‌دهد که آنچه در دل‌های آنان پوشیده است، چه اظهار بشود و چه نشود، ملک خداست و به‌زودی خدای تعالی با محاسبه خود در این ملک تصرف خواهد کرد (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۲، ۴۳۶؛ طوسی بی‌تا: ج ۲، ۳۸۲)، پس، توقف بر شناخت تجربی مبتنی بر حس، که از درک محسوسات و ظواهر فراتر نرفته است و درقبال ماورای آن نمی‌تواند بصیرت‌افزایی کند (سیدقطب ۱۴۱۲: ج ۵، ۲۷۵۸) فقط درحد درک ظاهر عینیات قابل‌پذیرش است. هرچند برخی از مفسران بسامد چنین معرفتی را مساوی با عدم شناخت (جهل و نادانی) دانسته‌اند (زمخشری ۱۴۰۷: ج ۳، ۴۶۸).

پس، معرفت برخاسته از نظریه مک‌گرگور به اندیشه سستی که قرآن به آن گوش‌زد کرده (جائیه: ۲۴) برگشته است (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۱، ۱۸، ۱۷۴؛ فخررازی ۱۴۲۰: ج ۲۷، ۲۷۸) که تکیه بر ظواهر دنیوی دارد و شناخت متکی بر آن از منظر کلام وحی نامعقول، نامطلوب، و در بسیاری از موارد گمانه‌زنی‌های جاهلانه و خلاف واقع است. از این‌رو، مفسران در ذیل آیه یادشده شناختی را که مبتنی بر اوهام‌گرایی، تخیل‌پرستی، و گمانه‌زنی (طبرسی ۱۳۷۲: ج ۹، ۱۱۸) باشد، نه تنها شناخت محسوب نکرده‌اند، بلکه آن را جهالت و نادانی دانسته‌اند (همان؛ طوسی بی‌تا: ج ۹، ۲۶۰)، زیرا نظریه‌های آنان کورکورانه و تقلیدی است (بیضاوی ۱۴۱۸: ج ۵، ۱۰۸). به همین دلیل، باتوجه به آیات مذکور و نیز آیات مشابه (نساء: ۱۵۷؛ یونس: ۶۶؛ نجم: ۲۸)، بر ایند شناخت برآمده از مکتب یادشده ناقص و ناتوان از به‌تصویرکشیدن واقعیت‌هاست، درحالی‌که در صورت اتصال معرفت به وحی، شناخت کامل و جامع امکان‌پذیر و مقدور خواهد شد (آل‌عمران: ۴۹)، زیرا قرآن کریم شناختی را معرفی کرده است که ماهیت فراحسی دارد و برگرفته از وحی و غیب (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۳، ۲۰۰؛ بلاغی نجفی ۱۴۲۰: ج ۱، ۲۸۵) است و از راه غیرمعاینه و مشاهده (طبری ۱۴۱۲: ج ۳، ۱۹۰) ظاهری و پنهانی حاصل شده است (مصباح یزدی ۱۳۸۴: ج ۱-۳، ۴۰۷).

۲،۶ نقد قرآنی موضوع معرفت‌شناسی

نگاه قرآن کریم فراتر از رفتارهای تجربی است و همه هستی حتی خالق آن را در بر می‌گیرد (انعام: ۱۰۱، ۱۰۲؛ فرقان: ۲؛ غافر: ۶۲)، زیرا شناخت تنها در این نیست که همیشه به صورت افقی باشد، همانند آزمایش‌هایی که در علوم تجربی درباره کیفیت اشیا مثلاً خاک انجام می‌دهند، بلکه به سیر عمودی نیز موردتحقیق قرار می‌دهد و از مبدأ، آفریننده، و خالق آن نیز پرسش می‌شود. از این‌رو، قرآن کریم از این بعد به‌عنوان معلم یاد کرده (جوادی آملی ۱۳۸۴: ۲۱۲) و به شناخت او نیز موضوعیت داده است: «الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن: ۱-۴).

برداشتی که از آیات مذکور و آیات دیگر (بقره: ۳۱، ۲۸۲؛ مائده: ۴؛ انبیاء: ۸۰) می‌توان ارائه داد آن است که انسان برای شناخت رفتارها و پدیده‌های هستی باید به شناخت فاعل شناسای آن توجه کند و نباید از معلمی که به او قدرت شناخت و معرفت داده است غفلت

بورزد (بقره: ۱۶۴)، بلکه از مبدأ علم و قدرت یگانه، که تمامی این «آوازه‌ها از اوست»، شناخت کسب کند (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۳، ۵۵۸). از طریق شناخت اشیا و پدیده‌های هستی به وجود خداوند و یگانگی او پی ببرد (فخررازی ۱۴۲۰: ج ۴، ۱۵۲؛ ابن‌عاشور بی‌تا: ج ۲، ۷۵)، زیرا همه اشیا و پدیده‌های هستی نشانی از اوست (جوادی آملی ۱۳۸۹: ج ۸، ۱۷۲) و این امر با تأمل و تدبیر در جهان خلقت و طبیعت امکان‌پذیر است که احاطه بر حیات او دارد و محاط بر زندگی اوست (فضل‌الله ۱۴۱۹: ج ۳، ۱۴۵).

۳،۶ نقد قرآنی ابزار شناخت

در نظریه مک‌گرگور، ابزار شناخت استقرای رفتارهای قابل تجربه و مشاهده انسان در محدوده نظام طبیعت و مادی است، درحالی‌که ابزار شناختی که قرآن کریم معرفی کرده بسیار فراتر از آن است که در جدول ۳ نشان داده شده است (جوادی آملی ۱۳۸۳: ۲۵۸؛ فخررازی ۱۴۲۰: ج ۱۳، ۹۹).

جدول ۳. ابزارهای معرفت از منظر قرآن کریم

ابزارهای شناخت از منظر قرآن کریم		
آیات	ابزارهای شناختی	ردیف
بقره/۲۰؛ انعام/۴۶، ۱۰۹، ۱۱۰؛ انفال/۲۳؛ یونس/۳۱؛ نحل/۷۸؛ مؤمنون/۷۸؛ سجده/۹؛ شوری/۲۴؛ احقاف/۲۶؛ ملک/۲۳؛ انسان/۲، بلد/۸	وحی	۱
بقره/۴۴؛ آل عمران/۱۹۰، ۱۹۱؛ ملک/۱۰؛ یوسف/۲؛ عنکبوت/۴۳ و...	عقل	۲
انعام/۱۱۳؛ نحل/۷۸؛ اسراء/۳۶؛ جاثیه/۲۳؛ محمد/۲۴	قلب	۳
بویایی: یوسف/۹۴؛ بینایی: بقره/۷، بقره/۱۷۱، ۲۶۶۰؛ آل عمران/۱۳، ۳۱؛ انعام/۴، ۶، ۷۸، ۷۹، ۱۰۳، ۱۱۰ و... چشایی: اعراف/۲۲، نبأ/۲۴؛ شنوایی: بقره/۷۵، ۹۳، ۱۰۴؛ آل عمران/۱۹۳؛ اعراف/۱۷۹؛ انفال/۲۰، ۲۱ و... لامسه: انعام/۷	حسّ	۴

قرآن کریم اندیشه محدودیت ابزار شناخت را به تجربه و آن‌هم در محدوده نظام طبیعت و دنیای مادی به چالش کشیده و تصریح می‌کند که برای دست‌یازیدن به شناخت صحیح و قابل اطمینان، افزون‌بر تجربه، عقل، وحی، قلب، و اندام‌های حسی نیز سهم قابل توجه و انکارناپذیری دارند، زیرا از منظر آموزه‌های وحیانی ابزار شناخت چشم، گوش، قلب، عقل، و وحی معرفی شده‌اند (اسراء: ۳۶؛ نحل: ۷۶)، چراکه گوش، چشم، و فؤاد نعمت‌هایی هستند که انسان بتواند به وسیله آن‌ها حق را از باطل تمییز دهد و خود را به واقع برساند (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۱۳، ۹۳).

چنان‌که ذکر شد، ابزار شناخت در مکتب یادشده به استقرای حسی منحصر است، درحالی‌که خداوند از یک سو در آن امکان تصرف و خطا می‌بیند (اعراف: ۱۱۶؛ حجر: ۱۵؛ طه: ۶۶) و از سوی دیگر، محدود ساختن راه شناخت به آن را روش غیرعلمی می‌داند (بقره: ۵۵، ۱۰۳، ۱۱۸؛ جاثیه: ۲۴، ۲۵). از منظر قرآن کریم، ادراکات یادشده زمینه‌ساز شناخت عقلانی و ادراکات باطنی است (نحل: ۷۶؛ مؤمنون: ۷۸؛ سجده: ۹؛ احقاف: ۲۶؛ ملک: ۲۳) و بدون تعقل و اندیشه‌ورزی در دست‌یابی به شناخت جهان هستی بی‌ثمر است (بقره: ۱۵۴؛ آل عمران: ۱۹۰؛ رعد: ۲-۴؛ نحل: ۱۲). پس، یکی از نقدهای مهم محدودیت خط‌پذیری و غیرعلمی بودن ابزار شناختی در نظریه مک‌گرگور است که نمی‌تواند به شناخت جامع و کامل منجر شود، زیرا از آموزه‌های قرآن کریم می‌توان برداشت کرد که برای شناخت رفتارهای انسان، درکنار شناخت افقی و عرضی، از شناخت عمودی و طولی نیز بهره برده است و نمی‌توان با مطالعه روابط عرضی اشیا باهم از روابط عمودی و طولی آن‌ها با خالق و آفریننده‌شان بی‌نیاز شد و به‌نظر می‌رسد نظریه مک‌گرگور چنین دیدگاهی ندارد. علت این است که افق دید وی به سازمان و انسان سازمانی کاملاً مادی است و طرح مسائل با این منطق حقیقتی است که به‌هیچ‌وجه در محدوده اندیشه انسان مادی نیست (جوادی آملی ۱۳۸۴: ۳۴۰).

۴,۶ نقد قرآنی منبع شناخت

منبع شناخت در نظریه مک‌گرگور عینی و واقع‌گرا با تأکید بر رفتارهای تجربه‌شدنی است، ولی حصر شناخت در عوامل حسی و عینی از منظر قرآن کریم پذیرفته نیست، زیرا از منظر قرآن کریم منابع دیگری نیز وجود دارند که نقش برجسته و مهمی در شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تر از انسان و رفتارهای وی دارند. منابع شناخت از منظر قرآن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. منابع شناخت از منظر قرآن کریم

منابع شناخت از منظر قرآن کریم		
ردیف	منابع شناختی	آیات
۱	نقل (قرآن کریم)	آل عمران/۴۴؛ اعراف/۲۰۴؛ هود/۴۹؛ یوسف/۱۰۲؛ احقاف/۲۹؛ جن/۱-۳
۲	طبیعت	نعام/۹۷؛ حج/۴۶؛ عنکبوت/۲۰
۳	انسان	فصلت/۵۳؛ ذاریات/۲۰-۲۱
۴	آیات آفاقی، انفسی و شهودی	آفاقی: فصلت/۵۳؛ ملک/۲۰؛ زمر/۲۱؛ عنکبوت/۱۵؛ نمل/۵۲ و... انفسی: اعراف/۱۹۰؛ نعام/۲ و ۶۰؛ بقره/۲۸؛ مریم/۶۷؛ آل عمران/۶؛ روم/۲۱؛ هود/۶۱؛ بقره/۲۸؛ شهودی: انعام/۷۵؛
۵	جهان آفرینش	انعام/۱۰۱-۱۰۲؛ اعراف/۱۸۵؛ طه/۵۰؛ لقمان/۱۰-۱۱؛ سجده/۴؛ زمر/۵ و ۶؛ دخان/۳۸ و ۳۹؛ احقاف/۳ و ۴
۶	تاریخ و حوادث آن	بقره/۲۴۶-۲۵۸؛ آل عمران/۱۳۷؛ مائده/۱۱؛ انعام/۶ و ۱۱؛ اعراف/۸۴ و ۸۶؛ یونس/۳۹ و ۷۳؛ هود/۱۲۰؛ یوسف/۱۰۹ و...
۷	آثار باستانی	یونس/۹۲؛ حجر/۷۴ و ۷۷؛ حج/۴۲-۴۸؛ نمل/۵۲ و ۶۹؛ عنکبوت/۳۱ و ۳۹؛ روم/۹؛ صافات/۱۳۶-۱۳۸؛ غافر/۸۲؛

با این گستره از منابع معرفتی که قرآن کریم معرفی کرده است، مشخص می‌شود که نظریه مزبور توصیف بسیار ناقص و محدودی از پدیده‌ها به دست می‌دهد (الوانی ۱۳۶۸: ج ۶-۷، ۳۹-۴۸). در ادامه، برای پرهیز از اطاله، سه منبع وحی، عقل، و قلب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱,۴,۶ وحی

یکی از مهم‌ترین منابع معرفتی قرآن کریم وحی است که بی‌نقص و عیب، کامل، و جامع است (نحل: ۸۹؛ انعام: ۵۹؛ فصلت: ۴۲). کارکرد وحی به عنوان منبع معرفتی آن است که «با ورود وحی به عرصه فرهنگ انسانیت، بشر از انحطاط و سقوط رها و درهای شکوه و تعالی به روی او باز و خردها بارور و دوران رشد و شکوفایی خردورزی آغاز و عقلانیت بالید و بارور شد» (جوادی آملی ۱۳۸۲: ۱۱۸). وحی، به عنوان یک منبع غنی و قوی کسب

دانش و معرفت، در اختیار تمام انبیای الهی بوده است و آنان از این نعمت بزرگ الهی بهره‌مند بودند. از این رو، براساس آیه مبارکه سوره نساء (نساء: ۱۶۳)، پیامبران الهی به صورت یک‌سان از امر وحی برخوردار بودند و هیچ اختلافی در مصادیق آن وجود ندارد (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۵، ۱۰۴).

پس وحی و نبوت یک جریان و سنت خلل‌ناپذیر در تاریخ انسان است (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۲، ۲۱۱) که به واسطه انبیای الهی در اختیار بشر قرار داده شده و به‌عنوان یک منبع شناخت از چنان اتقان و استحکامی برخوردار است که قرآن حکیم درباره پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وَمَا يُنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳-۴). به گفته ابن‌عاشور، این توصیف خود کمال است (ابن‌عاشور بی‌تا: ج ۲۷، ۱۰۰). در واقع، این آیه شریفه این حقیقت را بیان می‌کند که شناختی که مبتنی بر وحی باشد، خطا و اشتباه در او راه ندارد. از این رو در ادامه، به پیامبر اکرم (ص) اطمینان می‌دهد (یوسف: ۱۰۲) که این اخبار به واسطه وحی به شما گزارش می‌شود (طبرسی ۱۳۷۲: ج ۵، ۴۰۸).

کارکرد وحی آن است که یک حقیقت را خوب تبیین و تشریح می‌کند، زوایایی پنهان او را آشکار می‌سازد، آن‌ها را می‌شناساند، بعد آثار و پی‌آمدها آن‌ها را ذکر می‌کند (اسراء: ۸۵؛ لقمان: ۳۴)، و تأکید می‌کند که نظام تکوین مبتنی بر این است که هرچیزی شرط و شروط خاص خودش را دارد که باید حفظ شود (جوادی آملی ۱۳۸۸: ۱۲۹).

۲،۴،۶ عقل

عقل نیروی اندیشه، مرکز فهم، تشخیص، و قوه‌ای است که خداوند در سرشت انسان به‌ودیعۀ گذاشته و آن را با نفس او درهم تنیده است تا توسط آن بتواند معارف را بفهمد و با آن میان خیر و شر، حق و باطل، خوب و بد، و هست و نیست تمییز دهد و پس از سنجش و ارزیابی‌گریزش‌کند. در جهان تکوین اولین مخلوق خداوند عقل است، چنان‌که رسول خدا (ص) فرمود: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلُ» (ابن‌بابویه بی‌تا: ۵۳)؛ «عقل اول چیزی است که خدا خلق کرد». در عالم تشریح هم، عقل گوهر بزرگ و از جایگاه بس ممتاز برخوردار است که در نصوص فراوان آیات قرآن کریم با ساختارهای مختلفی از آن یاد شده و انسان را به کاربست آن در شناخت عرصه‌های مختلف دعوت کرده است، تاجایی که خداوند صاحبان عقل را وسیله برتری بر دیگران (طبرسی ۱۳۷۲: ج ۷، ۶۵)، نزول قرآن کریم را برای تعقل، فهم، و احاطه بر معانی قرآن (بیضاوی ۱۴۱۸: ج ۳، ۱۵۴)، و

بررسی و نقد معرفت‌شناسی نظریه ... (عبدالؤمن حکیمی و علی اصغر شعاعی) ۱۲۳

تفقه انسان (طبری ۱۴۱۲: ج ۱۲، ۸۹) بیان داشته است. در آیه ۲ سوره یوسف خداوند به تعقل در باورها، معارف الهی، و امور دینی دعوت کرده است تا دلایل آن‌ها (فخررازی ۱۴۲۰: ج ۱۸، ۴۱۶) را بفهمد، مقاصد آن‌ها را در زندگی فردی و اجتماعی (فضل‌الله ۱۴۱۹: ج ۱۲، ۱۶۲) به دست آورد، آن‌ها را به کار بگیرد (قمی ۱۳۶۸: ج ۶، ۲۶۹)، و نیز حسن و قبح آن‌ها را بشناسد (طوسی بی تا: ج ۶، ۹۲).

بنابراین، قابل پذیرش نیست که باوجود چنین دیدگاهی که از سوی خداوند به نعمت پریار عقل شده است، شارع مقدس درک قطعی آن را از مصالح و مفسد مطلقاً نپذیرد و درک عقل با تشریح را ناهم‌سو بداند؛ به‌ویژه از سوی معصومین (ع) برخی تعبیرات درباره جایگاه عقل ذکر شده است (کلینی ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۶) که ارزش و جایگاه آن را دوچندان می‌کند.

عقل درقبال نقل سه کارکرد مهم دارد: گاهی میزان و معیار است و از جهت اثبات قدسی بودن قرآن و مصون باقی ماندن آن از تحریف، عقل به‌عنوان مبنا و میزان ایفای نقش می‌کند (جوادی آملی ۱۳۹۰: ۲۱۱)؛ گاهی مصباح است و عقل خود به‌عنوان منبع مستقل در کنار کتاب، سنت، و اجماع عمل می‌کند و احکام شرعی را درمی‌یابد (همان: ۲۱۲)؛ گاهی مفتاح است، از آن‌جاکه شریعت حقه اسلام از مبدأ علم مطلق الهی نشئت گرفته که اشراف بر عالم تکوین داشته است و بر توانایی‌ها و محدودیت‌های انسان اطلاع دارد، همو که نزدیک‌تر از رگ گردن به انسان است (ق: ۱۶) و بین انسان و قلبش قرار دارد (انفال: ۲۴)، تمامی آنچه در حوزه شریعت مطرح است در ظرف علم قلیل انسانی ننگجد (اسراء: ۱۷) و انسان پس از نیل به مرحله اعتقاد به اصل شریعت (که البته براساس براهین عقلی صورت می‌گیرد) باید عقل را در مصالح احکام به‌عنوان مفتاحی برای وصول به گنجینه معارف به‌کار بندد و با اعتقاد به حقانیت احکام اسلام بدان ملتزم شود، گرچه مصالح، اسرار، و ملاک‌هایی که در ورای این احکام است به علم قاصر و محدود بشری درنیاید (جوادی آملی ۱۳۹۰: ۲۱۴).

۳،۴،۶ قلب

براساس نص قرآن کریم (انفال: ۲۴) یکی از ابزارهای مهم شناخت «قلب» است. قلب، با آراسته‌شدن به ویژگی‌های تطهیر و تزکیه، به معارف و حقایق فوق عقل دست می‌یازد، تاجایی که گاهی ظرف دریافت الهام‌ها و سروش‌های غیبی می‌شود و به شناختی نائل

می‌شود که توسط حس و عقل امکان‌پذیر نیست. قلب مرکز احساسات و عواطف خاص انسان است که گاهی از او به «حقیقت انسان» تعبیر می‌شود (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۹، ۴۵). در قرآن کریم از قلب به مرکز مهم شناخت یاد شده و در موارد مختلف فهم و درک به آن نسبت داده است، تاجایی که وقتی ادراک را از قلب نفی می‌کند، آن را به‌خاطر انجام‌ندادن درست کار توسط قلب و عدم سلامت آن معرفی می‌کند (مصباح یزدی ۱۳۷۶: ۲۰۸). از این رو، خداوند با نکوهش برخی انسان‌ها می‌فرماید: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا» (اعراف: ۱۷۹). در آیه یادشده فعل «تَفَقَّهُ» به قلب انسان نسبت داده شده است که در این‌جا فقه به‌معنای اصطلاح آن مراد نیست، بلکه مقصود از آن «فهم دقیق و عمیق» است (فضل‌الله ۱۴۱۹: ج ۱۰، ۲۸۹) و در جای دیگر (محمد: ۲۴)، فعل «تَدَبَّرَ» را نیز به قلب نسبت داده است (طبری ۱۴۱۲: ج ۲۶، ۳۶). افزون‌بر آن، از برخی آیات (حج: ۴۶) می‌توان برداشت کرد که، علاوه بر علم حصولی، درک و معرفت حضوری خداوند کار قلب است (سیدقطب ۱۴۱۲: ج ۴، ۲۴۳۰).

۵,۶ نقد قرآنی اعتبار معرفت‌شناسی

شاید یکی از دلایل مهم این‌که اعتبار و پایایی ماهیت، موضوع، ابزار، و منبع شناخت در نظریه مذکور با محدودیت‌ها و کاستی‌های فراوان مواجهه است این باشد که یافته‌های نظریه‌ای آن هنوز شاخص‌های یک نظریه واقعی را پیدا نکرده (ایران‌نژاد پاریزی و ساسان‌گهر ۱۳۹۰: ۹۶) و بیش‌تر براساس گمان و احتمال بنا نهاده شده و فراتر از تجربه حسی نرفته است. از این رو، اعتبار و پایایی ندارد، زیرا فرضیه‌های غیریقینی دانش تجربی برپایه احتمالات قرار گرفته است (جوادی آملی ۱۳۹۴: ج ۲، ۶۲۷).

افزون‌بر آن، قرآن کریم (اسراء: ۸۵) تذکر می‌دهد که دانش در اختیار بشر ناقص است و به‌تنهایی نمی‌تواند سعادت دنیوی و اخروی او را تأمین کند، زیرا مجهولات انسان در برابر معلوماتش همواره بیش‌تر و علم خدا نامتناهی است (طبرسی ۱۳۷۴: ج ۶، ۶۷۵) و در منظومه هستی تنها دانشی که برایش نمی‌توان حد و حصر تعیین کرد، بلکه باید او را بی‌نهایت دانست علم خدای سبحان است (همان: ۶۷۶). از این رو، کشف معلومات جهان در گرو اتصال به منبع غنی وحی است که به‌هنگام ارتباط با آن می‌تواند راه‌های شناخت مجهولات را پیدا کند (طلاق: ۲) و موانع و محدودیت‌ها را، که اندازه خاص دارند، پشت‌سر بگذارد (جوادی آملی ۱۳۹۷: ۲۱۳).

۷. نتیجه‌گیری

در این تحقیق، با کاربست روش استنتاجی شهید صدر، مبنای معرفت‌شناسی نظریه مک‌گرگور مورد بررسی و نقد قرار گرفت و مشخص شد که معرفت‌شناسی به‌عنوان محور و مدار تحلیل بسیاری از فرایندهای مدیریتی و مسائل سازمانی است که بدون شناخت صحیح آن شاید سازمان‌ها با چالش جدی با افراد و نیز در جهت‌دهی رفتارهای آن‌ها در سازمان مواجه شود. بیان شد که در نظریه مک‌گرگور، معرفت‌شناسی از چهار مؤلفه به‌نام‌های ماهیت، موضوع، ابزار، و منبع و اعتبار شکل یافته است که در این مقاله تمام مؤلفه‌های آن مورد بررسی و نقد قرار گرفت و معین شد که قرآن کریم تنها اتکای به عقل و یافته‌های بشری را برای شناخت کافی ندانسته است و تجربه، حس، و استقرا را گام‌های مقدماتی برای شناخت کامل و مطمئن دانسته که متکی بر ایمان قلبی و برهان‌های عقلی و نقلی (قرآن و سنت) است و ماهیت واقع‌نمایانه با دو نگاه عمودی (با خالق) و افقی (رفتارهای جوارحی و جوانحی مخلوق و تمام هستی) دارد. از نگاه قرآن، ابزارهای شناخت تنها استقرایی، نظیر مشاهده و آزمایش مبتنی بر رفتارهای انسان، نیست، بلکه منابع آن گستره فراوانی هم‌چون وحی، عقل، قلب، حس، و تمام هستی دارند که اعتبار نامحدود و با مکتب مذکور دیدگاه متفاوت دارند.

بنابراین، براساس معرفت‌شناسی حاکم بر دانش مدیریت، معرفت صرفاً از طریق تجربه عینی به‌دست می‌آید. لذا، مسائلی هم‌چون «وحی»، «نقل»، و «عقل» را معرفت به‌حساب نمی‌آورند و درواقع معرفت‌شناسی پوزیتیویستی بر نظریه‌های دانش سازمان و مدیریت حکم فرماست، درحالی‌که براساس معرفت‌شناسی قرآنی وحی مهم‌ترین منبع معرفتی انسان و کامل‌ترین منبع معرفت است. براساس این تلقی، گزاره‌های مربوط به موضوعات دینی با منابع متنوع معرفتی‌ای که در اختیار دارد، جامع و دربرگیرنده اصول و کلیات تمام عرصه‌های ضروری برای حیات انسان و پاسخ‌دهنده همه نیازهای آدمی، از جمله نیازهای سازمانی و مدیریتی، است.

جدول ۵. نکات افتراقی معرفت‌شناسی از منظر آموزه‌های قرآن کریم و مکتب مدیریت روابط انسانی

مکتب مدیریت روابط انسانی	قرآن کریم
برای شناخت ماهیت معرفتی مادی و حس گرامتی بر اثبات گرای عینی گرایانه کافی است.	برای شناخت ماهیت معرفتی مادی و حس گرامتی بر اثبات گرای عینی گرایانه محدود و کافی نیست.
در مکتب مدیریت روابط انسانی موضوع معرفت، انسان در محدوده‌ی خاص (انسان اجتماعی) نیاز، انسان سازمانی، شخصیت) و عامل‌های محیطی است.	در قرآن کریم موضوع معرفت، خدا، انسان (فطرت)، عقل، نفس، قلب، و...، امور ماوراء الطبیعه، پدیده‌ها و عامل‌های محیطی است.
ابزار شناخت در مکتب مدیریت روابط انسانی ماهیتی اثبات‌گرایانه شبکه‌ای است و فقط دارای نگاه افنی است	ابزار شناخت قرآن کریم، ماهیتی واقع‌نمایانه و شبکه‌ای است که از دو نگاه عمودی (با خالق) و افنی (مخلوق) برخوردار است.
منابع معرفتی مکتب مدیریت انسانی را عقل، حس، پدیده‌های عینی و قابل مشاهده تشکیل می‌دهد.	منابع معرفتی قرآن کریم را وحی (نقل)، عقل، طبیعت (هستی)، پدیده‌های عینی و قابل مشاهده و تاریخ تشکیل می‌دهد.
معرفتی که از مکتب مدیریت روابط انسانی حاصل می‌شود دارای اعتبار نسبی و محدود است.	معرفتی که از آموزه‌های قرآن کریم به دست می‌آید نامحدود بوده و به خاطر اتصال به وحی واقع‌نمایی آن، از اعتبار عالی و مطلوب برخوردار است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمدبن علی (بی‌تا)، *اسرار توحید*، ترجمه التوحید للصدوق، قم: بی‌نا.
- ابن عاشور، محمدبن طاهر (بی‌تا)، *التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه التاریخ.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۶)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- اسکات، ریچارد (۱۳۹۲)، *سازمان‌ها سیستم‌های عقلایی، طبیعی، و باز*، ترجمه حسن میرزایی اهرنجانی، تهران: سمت.
- لوانی، سیدمهدی (۱۳۶۸)، «نقدی بر منطق عقلی جدید و آثار آن بر نظریه‌های سازمانی»، *مجله دانش مدیریت*، ش ۶ و ۷.

بررسی و نقد معرفت‌شناسی نظریه ... (عبدالؤمن حکیمی و علی اصغر شعاعی) ۱۲۷

- الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۸)، مدیریت عمومی، تهران: نی.
- الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۸)، مدیریت عمومی، تهران: نی.
- امیرکبیری، علی‌رضا (۱۳۹۴)، رویکردهای سازمان و مدیریت و رفتار سازمانی، تهران: نگاه دانش.
- اوریت، نیکلاس و الک فیشر (۱۳۹۰)، نگاهی انتقادی به معرفت‌شناسی جدید، ترجمه حسن عبدی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- ایران‌نژاد پاریزی، مهدی و پرویز ساسان‌گهر (۱۳۹۰)، سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانک‌داری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ایزدی، مهدی و زهره اخوان مقدم (۱۳۹۲)، «ضرورت، ماهیت، و روش استنتاج از منظر روایات اهل بیت علیه‌السلام»، دو فصل‌نامه علمی - پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، س ۶، ش ۲، پیاپی ۱۲.
- بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت.
- بوریل، گیسون و گارت مورگان (۱۳۸۳)، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ترجمه محمدتقی نوروزی، قم: سمت.
- بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۲)، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)؛ مبانی، اصول، قواعد، و فواید، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸)، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، دین‌شناسی، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲)، وحی و نبوت در قرآن، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، توحید در قرآن، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، سرچشمه اندیشه، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، معرفت‌شناسی در قرآن، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، قرآن در کلام علی (ع)، قم: اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، زن در آینه جلال و جمال، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، جامعه در قرآن، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷)، قرآن در قرآن، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۹)، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم: اسراء.

- جوهرچ، ماری (۱۳۸۹)، *تئوری سازمان؛ مدرن، نمادین-تفسیری، و پست مدرن*، ترجمه حسن دانایی فرد، تهران: مؤسسه مهربان کتاب نشر.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰)، *الصاحح-تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دار العلم للملایین.
- حسنی، سیدحمیدرضا و مهدی علی پور (۱۳۸۵)، *جایگاه‌شناسی علم اصول*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمی قم.
- خسروپناه، عبدالحسین و دیگران (۱۳۹۳)، *در جست‌وجوی علوم انسانی اسلامی*، قم: معارف.
- رایبیز، استیفن پی. (۱۳۸۷)، *تئوری سازمان، ساختار، طراحی، و کاربردها*، ترجمه مهدی الوانی و حسن دانایی فرد، تهران: صفار.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
- رضاییان، علی (۱۳۷۶)، *تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم*، تهران: سمت.
- رضاییان، علی (۱۳۹۲)، *مبانی سازمان و مدیریت*، تهران: سمت.
- رضاییان، علی (۱۳۹۹)، *مدیریت رفتار سازمانی*، تهران: سمت.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی.
- سیدقطب، ابن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار الشروق.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۹)، *مبانی و روش‌های تفسیری*، قم: مصطفی.
- شفریتز، جی. ام. و جی. استیون اوت (۱۳۷۸)، *تئوری‌های سازمان*، ترجمه علی پارساییان، تهران: ترمه.
- صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴)، *المحیط فی اللغة*، بیروت: عالم الكتاب.
- صادق پور، ابوالفضل (۱۳۸۵)، *اصول و مبانی سازمان و مدیریت*، تهران: مؤسسه فرهنگ و اندیشه.
- صادق تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: فرهنگ اسلامی.
- صدر، سیدمحمدباقر (بی تا)، *مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن*، بیروت: دار التوحید الاسلامی.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۴)، *المدرسة القرآنیة*، بی جا: مؤسسه دار الكتاب الاسلامی.
- ضیائی فر، سعید (۱۳۸۵)، *پیش‌درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصرخسرو.
- طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶)، *مجمع البحرین*، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- طوسی، محمدبن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

بررسی و نقد معرفت‌شناسی نظریه ... (عبدالؤمن حکیمی و علی اصغر شعاعی) ۱۲۹

- علی پور، مهدی (۱۳۸۹)، *پارادایم اجتهادی دانش دینی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- علی زاده، عبدالرضا، حسین ازدری زاده، و مجید کافی (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی معرفت: جستاری در تبیین رابطه ساخت و کنش اجتماعی* و «معرفت‌های بشری»، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فرهنگی، علی اکبر، وحید شاه‌میرزایی، و علی حسین زاده (۱۳۹۵)، *نظریه پردازان و مشاهیر مدیریت*، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- فضل الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹)، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
- فیومی، احمدبن محمد (۱۴۱۴)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم: مؤسسه دار الهجره.
- قاسمی، بهروز (۱۳۹۰)، *مدیریت رفتار سازمانی*، تهران: سپاهان.
- قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۱)، «شناخت‌شناسی سازمانی»، *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، س ۴، ش ۱۳.
- قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا (۱۳۳۸)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- کاسلو، ای، آلون پلنتیگا، و جان پالک (۱۳۸۳)، *مفاهیم بنیادین در معرفت‌شناسی*، ترجمه محمد حسین زاده، تهران: زلال کوثر.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی (ط - الاسلامیه)*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- گائینی، ابوالفضل (۱۳۹۰)، *درس‌نامه مبانی معرفت‌شناسی تنوری‌های سازمان و مدیریت*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- گریزری، پال (۱۳۸۹)، *تقدی بر دانش مدیریت؛ پژوهش مدیریتی و دانش مدیریت*، ترجمه محمد صائبی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- لرر، کیث (۱۳۹۶)، *نظریه معرفت*، ترجمه مهدی عبداللهی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- مارتین، رابرت (۱۳۹۵)، *معرفت‌شناسی دریاب شک، شناخت، و آگاهی*، ترجمه رحیم کوشش، تهران: سبزان.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، *اخلاق در قرآن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳)، *راهنماشناسی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴)، *معارف قرآن؛ خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.

- معلمی، حسن (۱۳۸۰)، نگاهی به معرفت‌شناسی در فلسفه غرب، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مؤدب، سیدرضا (۱۳۶۷)، روش‌های تفسیر قرآن، قم: دانشگاه قم.
- میچل، ترنس آر. (۱۳۸۹)، مردم در سازمان‌ها، ترجمه حسین شکرکن، تهران: رشد.
- میرزایی اهرنجانی، حسن (۱۳۸۶)، زمینه‌های روش‌شناختی تئوری سازمان، تهران: سمت.
- میرزایی اهرنجانی، حسن و محمدعلی سرلک (۱۳۸۴)، «نگاهی به معرفت‌شناسی سازمانی: سیر تحول، مکاتب، و کاربردهای مدیریتی»، مجله بیک نور، ش ۱۱.
- میرصادقی، میمنت (۱۳۸)، واژه‌نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن، تهران: کتاب مهناز.
- میرکمالی، سیدمحمد (۱۳۹۲)، فلسفه مدیریت، تهران: یسپرون.
- موزر، پل (۱۳۸۵)، درآمدی موضوعی بر معرفت‌شناسی معاصر، ترجمه رحمت‌الله رضایی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- نوریس، کریستوفر (۱۳۸۹)، شناخت‌شناسی مفاهیم کلیدی در فلسفه، ترجمه ناصرالدین علی نقویان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- نیکوآقبال، علی‌اکبر (۱۳۸۷)، «نظریه اقتضا: تأثیر متغیرهای نوعی موقعیت در ساختار سازمانی»، فرایند مدیریت و توسعه، ش ۴۵ و ۴۶.
- واسطی زبیدی حنفی، محب‌الدین سیدمحمد مرتضی (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و دیگران (۱۳۸۷)، تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب.

Dessler, Gary (1986), *Organization Theory*, Prentice-Hall.

McGinn, Colin (1984), "The Concept of Knowledge", *Midwest Studies in Philosophy*, no. 9.

McGregor, Douglas (1960), *The Human Side of Enterprise*, New York: McGraw-Hill.